

معرفی و نقد کتاب

اسلام از آغاز تا امروز

اکبر صلاح‌الدین احمد^۱ استاد صاحب کرسی ابن خلدون در دانشگاه واشینگتن دی سی بوده و پاکستانی‌الاصل است.

اکبر احمد علاوه بر مطالعه در زمینه اسلام‌شناسی، در حیطه هنر هم پژوهش‌های مهمی انجام داده است. وی دغدغه اسلامی آرمانی دارد که بر محوریت قرآن و سنت پیامبر باشد. هم‌چنین علت عقب‌ماندگی جوامع مسلمین را اسلام نمی‌داند بلکه آن را ناشی از مسائل محلی و بومی می‌داند که هیچ‌گونه ارتباطی با جوهره عدل محور اسلام ندارند. نگاه ایشان به غرب دارای دو جنبه متضاد است که برخی جنبه‌های غرب از نظر وی مضر و برخی جنبه‌های دیگر آن مفید و قابل تأمل می‌باشد. اکبر احمد از لحاظ روش‌شناختی روشی پست‌مدرنیستی دارد که به اعتبار نقد خود از کلان روایت مدرنیته، غرب را به تکتگرایی و مداراگری با سایر گفتمان‌های به حاشیه رانده شده، از جمله گفتمان اسلامی، دعوت می‌کند و با رویکردی جامعه‌شناختی و فرهنگی این پروژه را پی می‌گیرد.

معرفی کتاب

کتاب *اسلام از آغاز تا امروز* در سال ۱۹۹۸ توسط انتشارات I.B.Tauris با عنوان *Islam Today: a short Introduction to the Muslim World* به قلم دکتر اکبر. س. احمد منتشر گردید. این اثر در سال ۱۳۸۹ به ترجمه اردشیر اشراقی و از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد.

1. Akbar Salahuddin Ahmed

کتاب *اسلام از آغاز تا امروز*^۱ اثر اکبر احمد دارای یک مقدمه و شش فصل می‌باشد. اکبر احمد در دیباچه کتاب، این اثر را حاصل سفر خود به جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی، از جمله تاجیکستان می‌داند؛ آن را مشتمل بر سفرنامه و تاریخ معرفی می‌کند که به تجزیه و تحلیل حقیقت اسلام در روزگار کنونی می‌پردازد و هدفش معرفی اسلام، خارج از تعصبات، همراه با صبغه اخلاقی و در چارچوب هویت اسلامی می‌باشد. وی اسلام هویت‌گرا را پاسخی به پرسش ناامنی و بی‌ثباتی جامعه مسلمانان دانسته و اسلام را غیریتی اخلاقی در برابر خودانگاری غیراخلاقی غرب معرفی می‌کند.

نویسنده در فصل اول، با مشخص کردن قلمرو انسانی و جغرافیایی اسلام و غرب، گسترش ارتباطات جمعی را عامل مهمی برای درک متقابل اسلام و غرب دانسته و در عین حال توجه خواننده را به وجوه مشترک اسلام و غرب از جمله توجه به معرفت، عدالت، شفقت، خانواده و لزوم اصلاح دنیا جلب می‌کند. احمد علت خصومت غربی‌ها نسبت به اسلام را تاریخ هزار ساله عداوت و جنگ‌ستیزی غربی‌ها علیه اسلام می‌داند و با مطرح کردن خاستگاه‌های چالش برانگیز ناشی از ناسازه‌های ایدئولوژیکی هر دو طرف، امکان آشتی این دو را محال دانسته و کلید حل مشکل جامعه اسلامی را تکیه بر اصول اساسی عدل و احسان می‌داند. وی به اعتبار این راه حل به بررسی و توصیف مشکلات جوامع اسلامی پرداخته و در پایان فصل این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که آیا می‌توان در عصر کنونی در برابر هجمه رسانه‌های غربی علیه جوامع مسلمین سد محکمی ایجاد کرد؟

در فصل دوم تحت عنوان «اسلام چیست؟»، در ابتدا با زبانی ساده و زیبا به شرح زندگانی پیامبر اسلام (ص) از بعثت تا رحلت پرداخته، به وقایع مهم و تاریخ‌ساز زندگی پیامبر اشاره می‌کند و در پایان این مبحث رسالت پیامبر را با ذکر آخرین خطبه ایشان در جهت ایجاد برابری فرا نژادی - قومی معرفی می‌کند. در قسمتی دیگر به بررسی سه دین بزرگ یهود، مسیحیت و اسلام از دیدگاه پیامبر (ص) پرداخته و با ذکر عناصر مشابه در این سه دین، سرانجام دین اسلام را کامل‌ترین آنها معرفی می‌کند. در ادامه در مبحث دیگری پس از معرفی رسالت قرآن، ارکان پنج‌گانه اسلام و ویژگی‌های تقویم اسلامی را مورد بررسی قرار داده و با مطرح کردن مبحث شیعه و سنی به وجوه تشابه

و تمایز آنها می‌پردازد. در انتهای این فصل نیز شیعه را در نگاه رسانه‌های غربی بررسی کرده و سپس انقلاب اسلامی ایران را تداعی‌گر تاریخ یک هزار ساله شیعه معرفی می‌کند که مبتنی بر عدالت، مبارزه، فداکاری و شهادت است.

فصل سوم با عنوان **چالش گذشته** معرفی و بررسی حکومت‌ها و دودمان‌های تأثیرگذار بر روند تاریخ اسلام از جمله حکومت‌های عثمانی، صفوی و گورکانی و دودمان‌های بنی‌امیه، بنی‌عباس و فاطمیان می‌پردازد. احمد در این فصل به صورت مقایسه‌ای آثار و مفاخر پیشروی سپاه اسلام در اسپانیا را در برابر آثار منفی به جا مانده از هجوم صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی مورد بررسی و مقایسه قرار داده و بنیادهای تمدن غرب در رنسانس را در اسپانیای اسلامی تبارشناسی می‌کند. از سوی دیگر به مفاخر به‌جای‌مانده از سه سلسله عثمانیان، صفویان و گورکانیان اشاره می‌کند که در عصر کنونی، فرهنگ و هویت سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان میراث به‌جای‌مانده از سلسله‌های مذکور می‌باشند.

نویسنده در فصل چهارم با عنوان «**برخورد میان دو عالم**» به بررسی اوضاع کنونی ملت‌های اسلامی در تقابل و رویارویی با مدرنیته غربی می‌پردازد. احمد در ابتدای این فصل علل فساد حکومتی کشورهای اسلامی را بررسی می‌کند. سپس شیوه‌های متفاوت سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان را در برخورد با معضلات مدرنیته مورد کنکاش قرار می‌دهد. در مورد ترکیه به موضوع هویت ترک‌ها و مسئله کردهای ترکیه می‌پردازد. در مورد ایران نیز بحث خود را از مقایسه میان کاخ شاه در شمال تهران و مرقد امام خمینی (ره) در جنوب شهر تهران آغاز کرده و با این تمثیل‌سازی، در ذهن خواننده هویت اسلامی را در برابر هویت غربی، ترسیم می‌کند. وی در ادامه بحث در پاسخ به پرسش احیای هویت اسلامی، فتوای امام خمینی علیه کتاب آیات شیطانی را مورد توجه قرار می‌دهد.

در مبحث پایانی این فصل هم ذیل عنوان «هندوستان و شکل‌گیری کشورهای پاکستان و بنگلادش» به مسلمانان جنوب آسیا و آثار باقیمانده از سلسله گورکانیان اشاره کرده و به مصادیقی از جمله تلاش مسلمانان برای هویت‌سازی در برابر هندوها در هند و نقش محمدعلی جناح در ایجاد وحدت و هویت اسلامی در پاکستان می‌پردازد. وی پایان این فصل را به مسئله زن در اسلام و نقد دیدگاه‌های غربی در این خصوص اختصاص داده و به نقادی آن می‌پردازد.

احمد در فصل پنجم، برخلاف فصل چهارم که وضعیت هویتی مسلمانان اکثریتی را

در کشورهای اسلامی بررسی می‌کند، به بررسی وضعیت اقلیت مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان پرداخته و اقلیت‌های مسلمان چند منطقه مهم در جهان از جمله شمال قفقاز، اروپای غربی، آمریکای شمالی، آسیای مرکزی و هند را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در این فصل در خصوص وضعیت مسلمانان در آمریکا در مقایسه با اروپا به تفاوت‌های بدیعی اشاره می‌کند. ایشان ضمن این‌که به بررسی آثار و مفاخر عظیم فرهنگی در این مناطق از جمله هند می‌پردازد، تأکید می‌کند که نمی‌توان این خدمات را نادیده گرفت. وی در ادامه نسل‌کشی و مهاجرت‌های اجباری توسط استالین و کشتار مسلمانان در جوامع غیرمسلمان از جمله چین و کوزوو و در عین حال سکوت افکار عمومی جهان از جمله غرب در برابر این همه ناملاپت‌ها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

فصل ششم که آخرین فصل از کتاب می‌باشد، جهان اسلام را در عصر رسانه‌های غربی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نویسنده معتقد است موج گسترش رسانه‌های غربی که از اواخر دهه ۱۹۸۰م. صورت گرفت عامل مهمی در جهت سیادت و تفوق جهان غرب بر اسلام می‌باشد. وی در ابتدای فصل ششم با طرح پرسش اسلام و غرب: رویارویی یا تفاهم؟ بر این نظر است که نتیجه رویارویی رسانه‌ای که منجر به تفوق غرب بر جهان اسلام شد تلقی منفی و ناخوشایند مسلمانان از دنیای رسانه را شکل داد. احمد حاصل رشد رسانه‌های غربی را نضج گرفتن نژادپرستی در فضای جدید رسانه‌ای دانسته و به دنبال آن خطر رادیکالیزه شدن فلسفه سیاسی غرب را هشدار داده و از سوی دیگر دلایل سطحی ماندن سیاست در جهان اسلام را ارزیابی و نقد می‌کند. وی در این فصل تبلور عبارت «فرهنگ جنایت» در افکار غریبان در ضدیت با مسلمین را ناشی از قدرت رسانه‌ای غربی‌ها و ضعف رسانه‌ای مسلمانان دانسته و در واپسین سطور این فصل چند پیشنهاد راهبردی را برای تلطیف کردن روابط غرب با اسلام تجویز می‌کند و در مجموع کلید حل این مشکل را افزایش قدرت رسانه‌ای دنیای اسلام و گسترش زبان رسانه‌ای می‌داند.

۱. نقد و بررسی

این اثر دارای نوآوری‌های خاصی می‌باشد که در سایر آثار منتشر شده چنین نوآوری‌هایی کمتر به چشم می‌خورد. از جمله این نوآوری‌ها بررسی اسلام از ابتدا تا

دورهٔ معاصر، به صورت جامع، با بیانی ساده و شیوا در قالبی جامعه‌شناختی و به دور از پیچیدگی‌های کلامی و فلسفی می‌باشد. نویسندگان هم‌چنین انقلاب اسلامی ایران و شیعه را در کلیت تاریخ اسلام از صدر اسلام تا زمان معاصر مورد بررسی قرار داده و برخلاف سایر آثار در این زمینه، تاریخ انقلاب اسلامی ایران را صرفاً جریانی سیاسی معرفی نمی‌کند بلکه تاریخ انقلاب اسلامی را در ذیل تاریخ شیعه، بخشی از تاریخ اسلام و نه انشعابی از آن معرفی کرده است. از دیگر نوآوری‌های احمد در این اثر، توجه خاص و برجسته وی به مبحث مهم رسانه و نقش آن در شکل‌گیری افکار عمومی می‌باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که رویکرد اکبر احمد به دنیای رسانه به مثابه ابزاری مؤثر در جهت ایجاد تفاهم دنیای اسلام و غرب رویکردی اغراق‌آمیز و غیرواقع‌بینانه در نقد این رویکرد این به ذهن متبادر می‌شود که رسانه‌ای که بنا بر اذعان احمد، هژمونی غرب بر دنیای اسلام را رقم زده چگونه می‌تواند باعث و بانی تفاهم در عرصهٔ دنیای آینده از روح آنتاگونیستی دوست - دشمن باشد. رسانه سلاح نرمی است که بسی برنده‌تر از سلاح سخت بوده ذاتاً دارای کارکردی مناقشه برانگیز و نه آشتی‌جویانه است. با این اوصاف به نظر می‌رسد که نویسندگان با ارائهٔ این راهبرد ساده‌انگارانه، عیار کار و تلاش با ارزش خود را پایین آورده است.

مورد دیگری که در این اثر قابل بررسی است نوع اسلامی است که مدنظر نویسندگان است. این نوع از اسلام، هویت‌گرا بوده که دامنه‌دار و متلون است و تمام طیف‌ها را در بر می‌گیرد (ر.ک: دیباچه). با فرض این که نویسندگان هم دغدغهٔ اتحاد دنیای اسلام را در سر دارد و هم دغدغهٔ تفاهم و تساهل غرب و اسلام را؛ اتحاد دنیای اسلام را به اعتبار اسلام هویت‌گرا شاید با اندکی تسامح بتوان محقق ساخت اما متعاقباً وقتی جهان اسلام یک پیکره شد چه تضمینی برای تحقق بخشیدن به دغدغهٔ دوم نویسندگان یعنی تفاهم اسلام با غرب وجود دارد؟ تجربه‌های تاریخی به وفور ثابت کرده‌اند که هرگاه در سرزمینی هویت‌هایی شکل بگیرد دامنهٔ تنش‌ها و منازعات در برابر سایر هویت‌ها به صورت منسجم‌تر و گسترده‌تری بروز خواهد کرد زیرا «دیگری» بیگانه در مغناطیس «خود» آشنا مفصل‌بندی می‌شود. نکتهٔ آخر این که احمد با توجه به علاقه‌ای که به فرهنگ و هنر دارد، آثار و مفاخر اسلامی را نقطهٔ عزیمت به سوی اتحاد جهان اسلام می‌داند و از شالوده‌های معرفتی غافل می‌ماند؛ درحالی که موارد مورد علاقهٔ نویسندگان بیشتر جنبهٔ تبلیغی و نه تبیینی دارند.

۲. نقد روشی

احمد در دیگر آثار خود از جمله *اسلام و پست مدرنیسم* (۱۹۹۲م.) با تأثیرپذیری از روش پست مدرنیستی مبتنی بر شکستن کلان‌روایت‌ها به خرده‌روایت‌ها معتقد است که روح تکثر و تفاهم در دامن پست مدرن پرورش می‌یابد ولی کلان‌روایت مدرنیته اجازه جولان هویت‌های متفاوت را نمی‌دهد. از سوی دیگر در نگاه پست مدرنیستی تاریخیت نقش مهمی در تولید افکار، عقاید و ادیان برجسته دارد و فلسفه آگاهی مطلق و خرد خود بنیان لیبرالیستی در این نگاه جایگاهی ندارد.

سراسر کتاب *اسلام از آغاز تا امروز* حاوی تناقض‌گویی‌های روش‌شناختی می‌باشد. احمد در متن خود به روش پست مدرن چندان وفادار نیست. نویسنده از یک سو به کلان‌روایت مدرنیته می‌تازد و از سوی دیگر کلان‌روایت‌های توحید، وحدت و عدالت را شالوده پروژه خود قرار می‌دهد. (ر.ک: ص ۸) اعتقاد روشی احمد به روش پست مدرنیستی در جایی دیگر خدشه‌دار می‌شود به این صورت که تاریخیت و اقتضائیات را به نفع اسلام غیرتاریخی و آرمانی مصادره می‌کند، نسبت به شرایط حاکم بر اجتماع مسلمین نگاه ساده‌انگارانه دارد و شرایط حاکم بر این جوامع را خیلی سطحی و موقتی تصور می‌کند. به نظر می‌رسد که احمد برخلاف ادعای خویش در دام فلسفه تاریخ‌هگلی می‌غلتد و نمی‌تواند به رویکردهای پست مدرنیستی وفادار باشد. سرانجام این که در نگاه پست مدرنیستی، «دیگری»، کاملاً برجسته، دارای عقلانیت معطوف به خود و در عین حال قابل احترام است. اگرچه بنا به نظر احمد، «دیگری» غرب را با در نظر داشتن تفاوت‌ها باید فهمید (ر.ک: ص ۲) اما وی در طول متن به جز مواردی که در مورد مسیحیت مطرح کرده، «دیگری غرب» را به روش خود غربی‌ها با اندکی تساهل معیوب و غیراخلاقی جلوه داده که این نگرش در کلیت متن مشهود است.

علی قربانپور دشتکی

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران

Email: ghorbanpur@yahoo.com